

بررسی تجربه زیسته دین در افراد دارای سازمان شخصیت نورو تیک و مرزی: یک مطالعه پدیدار شناختی

سید حسین زاهدیان^۱، سید محمدرضا تقوی^{۱*}، مهدی رضا سرافراز^۲، محمدعلی گودرزی^۱

^۱گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، ^۲گروه روانشناسی سلامت، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

چکیده:

زمینه و هدف: پژوهش در زمینه دین همواره با پیچیدگی های فراوان همراه بوده که بخشی از آن به عدم وجود تعریف واحد از این مفهوم باز می گردد. برای ارایه تعریفی دقیق از دین ناگزیر به شناخت ماهیت آن در ذهن افراد هستیم. شخصیت عامل مهمی است که بر شکل گیری ادراکات ذهنی در افراد مؤثر است. هدف از پژوهش تعیین و بررسی تجربه زیسته دین در افراد دارای سازمان شخصیت نورو تیک و مرزی: یک مطالعه پدیدار شناختی بود.

روش بررسی: این یک مطالعه توصیفی از نوع کیفی است که به روش پدیدارشناسی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است و شیوه گردآوری داده ها، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود، گروه نمونه شامل ۱۰ مصاحبه شونده بود که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند و در دو گروه افراد دارای سازمان شخصیت نورو تیک (۵ نفر) و سازمان شخصیت مرزی (۵ نفر) دسته بندی شدند. مصاحبه با هر فرد بین ۱۲۰ تا ۴۲۰ دقیقه طول کشید و در یک تا ۶ نوبت انجام شد. مصاحبه ها تا اشباع نظری ادامه پیدا کرد و در مجموع ۲۸۹۰ دقیقه مصاحبه به عمل آمد. داده ها به روش ماستاکاس آنالیز شدند.

یافته ها: مهم ترین مقوله های کشف شده در سازمان مرزی شامل دین داری فردمحور، بی ثباتی دینی، هیجان زندگی دین و خدای تک بعدی چندپاره شده بود. افراد دارای سازمان شخصیت مرزی تصویر بی ثباتی از خدا در ذهن دارند و ارتباط آنها با خدا تحت تأثیر هیجانان لحظه ای تغییر می کند. مهم ترین مقوله های به دست آمده در سازمان نورو تیک، دین داری وظیفه گرا، کمال گرایی دینی، دین داری مبتنی بر ظن و خدای نسبتاً منسجم بود. تصویر خدا در ذهن افراد با سازمان شخصیت نورو تیک از ثبات بالایی برخوردار است، یکپارچگی تصور از خدا باعث می شود ارتباط فرد با خدا تحت تأثیر هیجانان لحظه ای قرار نگیرد.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که دین در ذهن افراد با سازمان های شخصیت مختلف واجد کیفیت های متفاوتی است و علی رغم این تفاوت های اعتقادی و رفتاری، افراد در همه سطوح خود را مومن به دین واحد می دانند. نتایج حاکی از این است که در سطوح پایین تر طیف سازمان شخصیت، شخصیت به عنوان یک ظرف عمل می کند که محتوای دین در آن ریخته می شود و دین رنگ شخصیت را به خود می گیرد و تفسیر افراد از دین و کیفیت رفتار دینی آن ها مبتنی بر شخصیت آنان است و هر چه به سمت سطوح بالاتر سازمان شخصیت حرکت می کنیم بین دین و شخصیت دیالوگی صورت می گیرد که موجب می شود شخصیت از دین تأثیر بپذیرد.

واژه های کلیدی: پدیدارشناسی، دین، سازمان نورو تیک، سازمان مرزی، شخصیت

* نویسنده مسئول: سید محمدرضا تقوی، شیراز، دانشگاه شیراز، گروه روانشناسی بالینی

Email: mtaghavi@rose.shirazu.ac.ir

مقدمه

از دیرباز دانشمندان سعی داشتند با تعاریف متعدد و با اشاره به ساحت یا ساحات دین، ماهیت دین را آشکار کنند. حتی اگر تنها یک واژه برای «دین» وجود داشته باشد، ممکن است برای دین‌دار بودن صدها روش موجود باشد، برخی از دانشمندان معتقدند دین‌داری، کلیتی متجانس نیست حال آنکه گروه دیگر دین‌داری را امری متجانس می‌دانند (۱). بر این اساس بسیاری از پژوهشگران معتقدند که در راستای شناخت واقعیات پیچیده نظیر تجارب معنوی ناچار به کار بست روش پدیدارشناختی هستیم که ادعای اصلی آن شناخت ماهیت پدیده‌هاست (۲ و ۳).

روانشناسان از دیرباز و قبل از علمی شدن پهنه روان سعی در تبیین ماهیت و رابطه بین مذهب و روان انسان نمودند. از فروید که دین را توهم دین‌پنداران شمرد و ناشی از ترس‌های عینی و روزمره بشر تا روانشناسان انسان‌گرا متمایل به شرق دستی بر این ارتباط دوگانه کشیدند. در بین مباحث روان‌شناختی متفاوت، اختلالات شخصیت همواره دیرپاترین و فراگیرترین اختلالات را نمایانگر بودند. اختلالات شخصیت با شروع از ابتدای کودکی و پیشرفت و گسترش، در تمام زندگی با فرد مبتلا در چالش هستند. دین به‌عنوان برنامه یکپارچه، راهنمای سلوک، رعایت اخلاق و روابط درون فردی و برون فردی می‌تواند تبیین‌گر نحوه‌گذار و ابتلا به اختلالات شخصیت در نظر گرفته شود. تحقیقات بسیاری در جهت آرایه شواهد ارتباط بین دین‌داری و عوامل

شخصیتی انجام شده و نتایج نشان‌دهنده ارتباطاتی عمیق بین سبک دین‌داری و سلوک مذهبی و اختلالات و عوامل شخصیتی است (۴ و ۵). شخصیت تلفیقی از الگوهای رفتاری با ریشه‌های مزاجی، قابلیت‌های شناختی، منش و نظام‌های ارزشی درونی شده است (۶). کرنبرگ مبتنی بر الگوهای روانکاوی و روابط موضوعی به ارائه مدلی ابعادی از اختلالات شخصیت، در قالب چهار سازمان شخصیت پرداخته است شامل؛ (۱) سازمان سایکوتیک، (۲) سازمان مرزی، (۳) سازمان نوروتیک و (۴) سازمان شخصیت سالم. این سطوح بر اساس تفاوت در نوع سایکوپاتولوژی، پختگی مکانیسم‌های دفاعی و سوپرایگو، واقعیت‌سنجی، انسجام هویت خود، انعطاف‌ناپذیری و الگوی روابط موضوعی متمایز می‌شوند (۶-۱۲). سازمان نوروتیک در مقابل سازمان مرزی و سایکوتیک، یک هویت منسجم دارد. رابطه افراد نوروتیک با دیگران یک ارتباط بالغانه است و ارتباط آن‌ها با واقعیت به‌خوبی حفظ شده و دارای انعطاف مناسبی در برخورد با واقعیت هستند (۱۳ و ۷، ۶). سازمان شخصیت مرزی بیمارانی را توصیف می‌کند که واجد یک سازمان شخصیتی مرضی و پایدار هستند. علایم این بیماران شبیه علایم نوروز و اختلالات شخصیت است، ولی زمانی که تحت فشارهای شدید هستند یا هنگامی که الکل یا مواد مصرف کرده‌اند دوره‌های سایکوز گذرا ممکن است بروز پیدا کند (۷ و ۶).

کیفیت تعامل ویژگی‌های شخصیتی با باورهای دینی از دیرباز مورد پژوهش بوده است. پژوهش‌ها نشان داده است که شخصیت می‌تواند دین‌داری را پیش‌بینی کند و میزان بالاتر نمره فرد در مقیاس شخصیت مرزی با سطح پایین‌تر دینداری همبستگی دارد (۱۵ و ۱۴). سبک مذهبی افراد مرزی از ناکامی‌های تحولی آغازین زندگی تأثیر می‌پذیرد و انگار افراد به صورتی شکل‌گرفته‌اند که از انجام رفتار دینی بازداری می‌کنند (۱۵). افراد مرزی خدا را موجودی غیر قابل اعتماد توصیف می‌کردند که این عدم اعتماد در آسیب‌های رابطه مادر- کودک ریشه داشت (۱۶). ایندر و کالیگوس به ارتباط معنی‌دار بالایی بین شخصیت مرزی و بی‌خدایی دست یافتند (۱۵). بررسی رابطه نظریه ۵ عاملی شخصیت با دین‌شانگر رابطه معنی‌دار روان رنجوری، روان‌پریشی و برون‌گرایی با سطوح پایین مذهبی بودن، سطح هوش معنوی فرد و جهت‌گیری دینی است (۲۰-۱۷).

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی دین و تجارب دینی اغلب به نتایج ضد و نقیضی منجر شده است و در این حیطة با انبوهی از پژوهش‌ها سروکار داریم که نتایج متفاوت، مبهم و گیج‌کننده‌ای را ارائه می‌دهند، به نحوی که امکان جمع‌بندی دقیق و علمی وجود ندارد. مهم‌ترین عامل ایجاد چنین تناقض‌های علمی به ماهیت متغیر مورد اندازه‌گیری یعنی دین و روش اندازه‌گیری که اغلب روش‌های مطالعه کمی بوده بازمی‌گردد. عدم وجود تعریف واحد از دین، ناهمگونی در ابعاد ارائه شده برای دین و

طراحی بیش از هزار پرسشنامه برای سنجش دین و ابعاد آن، موجب تضاد و ابهام زیادی در نتایج پژوهش‌های حوزه دین به‌ویژه پژوهش‌های کمی شده است (۲۳-۲۱). پرسشنامه‌های طراحی شده جهت سنجش دین و دین‌داری نوعاً مبتنی بر رویکردهای نظری یا آنچه در ادیان مختلف به‌عنوان اصول، عقاید و تکالیف دینی تعریف‌شده طراحی شده‌اند و الزاماً آنچه را افراد به‌عنوان رفتار یا باورهای دینی برداشت یا تلقی می‌کنند نمی‌سنجد، بنابراین لزوم انجام پژوهش‌هایی با روش کیفی که بتواند در آغاز تعریفی از ماهیت و چیستی دین به‌عنوان یک تجربه زیسته در ذهن افراد ارائه دهد مقدم بر سنجش‌هایی است که بی‌توجه به چیستی ماهوی دین دست به سنجش زده‌اند (۲۴). از دیگر براهینی که لزوم انجام چنین پژوهشی را روشن‌تر می‌کند دقت در این نکته است که هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیشین نتوانسته‌اند دامنه وسیعی از تجارب دینی، باورها و هیجانات مرتبط با دین را مبتنی بر تجربه زیسته افراد به‌شکلی پوشش دهند که از جامعیت لازم برخوردار باشد (۲۵). از سوی دیگر تفاوت‌های بنیادین در سازمان‌های مختلف شخصیت باعث شکل‌گیری گونه‌های متفاوتی از رفتار، باور و هیجان در افراد می‌شود، لذا لحاظ کردن عامل شخصیت و اثرگذاری آن بر تجربه دینی افراد امری ضروری به نظر می‌رسد. با در نظر گرفتن خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین که بدون پرداختن به ماهیت دین به بررسی رابطه دین با سایر متغیرهای روان‌شناختی پرداخته‌اند، محققان بر آن شدند تا با

داشتند (۲۶). ۷۰ نفر بر اساس مصاحبه بالینی و ملاک‌های نسخه تجدیدنظر شده مصاحبه ساختاریافته سازمان شخصیت (STIPO-R)^(۱) مورد ارزیابی قرار گرفتند و افرادی که واجد ملاک‌های سازمان شخصیت نوروتیک و مرزی بودند به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف از بین افراد در دسترس انتخاب شدند، محل انجام مصاحبه‌ها دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز بود. نمونه‌گیری و مصاحبه‌ها تا اشباع در اطلاعات گردآوری شده ادامه پیدا کرد که منجر به انتخاب ۱۰ نفر به‌عنوان گروه نمونه (۵ نفر دارای شخصیت نوروتیک و ۵ نفر دارای شخصیت مرزی) شد (۲۷). اشباع حالتی است که در آن پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به اطلاعات جدیدی منجر نمی‌شود (۲۷). ملاک‌های ورود افراد به این پژوهش سطح تحصیلات کارشناسی تا دکتری، بازه سنی ۲۳ تا ۴۰ سال، اعتقاد به دین اسلام و عدم وجود اختلال شدید روانی بود. ملاک‌های خروج از پژوهش عدم تمایل مصاحبه‌شونده برای ادامه مصاحبه بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته استفاده شد. حداقل مجموع زمان مصاحبه برای هر مصاحبه‌شونده ۱۲۰ دقیقه و حداکثر ۴۲۰ دقیقه بود. در مجموع ۲۸۹۰ دقیقه مصاحبه انجام شد. به‌منظور گردآوری اطلاعات از مصاحبه‌شوندگان سه سؤال کلی پرسیده شد؛ نخست این که معنایی که در

بررسی پدیدارشناختی دین به‌عنوان یک تجربه زیسته در ذهن افراد در سازمان‌های شخصیتی مختلف به توصیف و تبیین دقیقی پیرامون ماهیت دین بپردازند و وجود یا عدم وجود تفاوت در ماهیت این تجربه زیسته را در سازمان‌های مختلف شخصیت بررسی کنند. علت استفاده محققان از سازمان‌های شخصیت (نه طبقه‌بندی اختلالات شخصیت مبتنی بر DSM-5) در این پژوهش به همپوشانی گسترده اختلالات شخصیت در هر کلاستر شخصیتی باز می‌گردد، لذا هدف از این مطالعه تعیین و بررسی تجربه زیسته دین در افراد دارای سازمان شخصیت نوروتیک و مرزی و مقایسه تجربه زیسته دین بین دو گروه یاد شده بر اساس یک مطالعه پدیدار شناختی بود.

روش بررسی

این یک مطالعه توصیفی از نوع کیفی است که به روش پدیدارشناسی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است و شیوه گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که با روش پدیدارشناسی موستاکاس و تجربه زیسته دین‌داری در شرکت‌کنندگان پژوهش کشف گردید. جامعه آماری پژوهش، افراد تحصیل‌کرده با سطح تحصیلات لیسانس تا دکتری شهر شیراز بودند که خود را معتقد به دین اسلام می‌دانستند. مصاحبه‌شوندگان در بازه سنی ۲۳ تا ۴۰ سال انتخاب شدند که بر اساس نظریه مراحل دین‌داری فولر در مرحله یکسانی از چرخه دین‌داری (ایمان فردی شده - فکورانه) قرار

1-Structured Interview of Personality Organization-Revised

ذهن خود راجع به ماهیت دین دارید چیست؟ دوم: در مورد دین و دین‌داری چه تجربه‌ای دارید؟ و سوم این که چه زمینه یا وضعیتی بر تجربه شما از وضعیت مورد نظر تأثیر داشته است؟ به منظور بررسی صحت و اعتبار داده‌های پژوهش از چهار شاخص اعتبار لینکولن^(۱) و گوبا^(۲) شامل قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری استفاده شد (۲۸).

در این مطالعه از روش موستاکاس^(۳) استفاده شد که شامل مراحل: اپوخه یا کنار گذاشتن پیش‌فرض‌هاست (۲۹). در مرحله افقی‌سازی فهرست اظهارات مهم تهیه شد تا موضوع به وسیله افراد تحت مطالعه روشن شود. در مرحله بعد، این اظهارات به صورت واحدهای اطلاعاتی بزرگ‌تر به نام واحدهای معنایی دسته‌بندی و توصیف شد. در ادامه یک توصیف ساختاری از این تجارب در قالب چگونگی تجربه آن‌ها و شرایط و وضعیت و زمینه تجربه ارائه شد و در نهایت توصیفات ساختاری و متنی با هم ترکیب شدند تا ماهیت یکپارچه تجربه را نشان دهند (۳۰).

مراجعات با هماهنگی قبلی و با اطلاع از اهداف تحقیق در مصاحبه شرکت کردند. پس از اطمینان دادن به مشارکت‌کنندگان از محرمانه بودن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از آن‌ها اخذ شد. تلاش شد با ایجاد جو صمیمانه رابطه خوبی با آن‌ها ایجاد شود تا در یک محیط دوستانه به سؤالات پاسخ دهند.

مصاحبه‌ها برای انجام تحلیل‌های بعدی، به‌دقت پیاده‌سازی شد. برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، در گزارش نقل‌قول‌ها از عبارات (کد ۱ و ۲) استفاده شد.

یک مصاحبه نیمه ساختار یافته برای ارزیابی ابعاد کارکردی شخصیت بر اساس مدل روابط موضوعی است (۳۱) که امکان ارزیابی ابعاد کارکردی شخصیت را به‌صورت یک پیوستار برای هر بعد فراهم می‌کند (۳۲). STIPO-R شامل ۵۵ سؤال است که ۵ بعد اصلی؛ هویت، دفاع‌ها، کیفیت روابط موضوعی، پرخاشگری و ارزش‌های اخلاقی را می‌سنجد (۳۱). استرن و همکاران، ضریب پایایی متوسط همبستگی درون خوشه‌ای^(۴) را برای این آزمون بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۷ گزارش دادند (۳۱). اعتبار این ابزار از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای بعد هویت (۰/۸۶)، مکانیسم‌های دفاعی (۰/۸۵)، واقعیت‌سنجی (۰/۶۹) گزارش شد. مطالعه نظری، همتی، رحمانی و رضاعی حاکی از روایی و پایایی مناسب این آزمون در جمعیت ایرانی است (۳۳).^۱

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون موستاکاس آنالیز شدند.

1-Lincoln
2-Guba
3-Moustakas
4-Intraclass Correlation Coefficients(ICC)

یافته‌ها

با توجه به گستردگی مفهوم دین و ساحت‌های آن، تنها مقوله‌های اصلی به دست آمده برای دو سازمان شخصیتی در جدول ۱ نمایش داده و مقایسه شده است و با توجه به حجم مطالب از آوردن مثال برای مقوله‌ها اجتناب شد.

فرد دین را به صورت یک پروتکل و برنامه می‌بیند که در مقایسه با سایر برنامه‌ها از جامعیت بیشتری برخوردار است. برنامه‌ای نسبی و غیر قطعی که فرد با ملاک قرار دادن عقل خود آن را نقد می‌کند. افراد مرزی معتقدند دین جهت ایجاد یک ارزش‌افزوده آمده و هر جا که عقل بشر قادر به پاسخ‌گویی نیازهای او نباشد دین به عنوان مکمل عمل می‌کند.

عوامل مختلفی بر گرایش به دین و طرد دین از سوی افراد دارای سازمان شخصیت مرزی تأثیر دارد که نوعاً ریشه در پاتولوژی‌های آن‌ها دارد. گاهی فرد به دلیل حجم خلأهایی که در زندگی داشته به دین گرایش پیدا می‌کند. در نقطه مقابل زمانی که فرد قواعد دین را منافی امیال شخصی خود ببیند با دین مخالفت می‌کند. احساس طرد از سوی خدا(دین) عامل دیگر مخالفت با دین است. از آن‌رو که افراد مرزی دارای یک احساس حقارت شدید بوده و نسبت به طرد شدن بسیار حساس هستند وقتی که با فرافکنی تصورات خود به خدا(مخصوصاً در موقع ارتکاب گناه)، فکر می‌کنند خدا آن‌ها را طرد کرده متقابلاً دست به طرد خدا(دین) می‌زنند.

الگوی آشفته رفتار والدینی که به صورت سرد، غیر مشفقانه و سخت‌گیرانه بوده باعث ایجاد نفرت نسبت به ارزش‌های والدینی(دین) شده و از عوامل مهم طرد دین از سوی فرد است. در نقطه مقابل با والدینی مواجه هستیم که بی‌تفاوت بوده و نسبت به امور دینی غیرحساس می‌باشند، یا شاهد والدینی با سطح حساسیت و دین‌داری متفاوت هستیم که باعث می‌شوند فرزند در دین‌داری به سمت والدی که ترجیح می‌دهد گرایش پیدا کند.

در فرآیند دین‌داری افراد مرزی شاهد انواعی از مکانیسم‌های دفاعی و خطاهای شناختی هستیم از جمله؛ دوپاره سازی و تجزیه؛ حالتی است که در آن عمل، افکار و باورهای فرد دوپاره می‌شود یا در مقام تصور خدا دست به دوپاره سازی خدا به صورت یک موجود تماماً خوب یا تماماً بد می‌زنند. فرافکنی تصورات و هیجان‌ات خود به خدا؛ فرد با انسان‌پنداری خدا دست به فرافکنی هیجان‌ات و باورهای خود به خدا می‌زند. محتوای این فرافکنی عمدتاً از نوع فرافکنی ناامنی و ترس است. حکمت تراشی برای تبرئه خدا؛ فرد برای حفظ انسجام فکری و عاطفی خود به خصوص حفظ تصور مثبت خود از خدا، در مصائب زندگی و امور ناخوشایند دست به حکمت تراشی می‌زند. نگاه دوقطبی به مرگ و قبر؛ این افراد به شکل دفاعی دست به تصویرسازی از چیزی می‌زنند که هیچ تجربه‌ای راجع به آن ندارند. در برهه‌ای قبر و قیامت را سراسر هراس و عذاب تصور می‌کرده، ولی بعداً کاملاً عکس شده و به تصویری خوشایند تغییر

پیدا کرده که برای فرد کاربرد دفاعی دارد و او را قادر می‌سازد به راحتی به نقض قوانین دینی دست بزند.

برای این افراد محور دین‌داری عقل و تجربه فردی است و احکام و دستورات دین را غالباً با عقل و تجربه فردی نقد و بررسی می‌کنند، اگر حکم خاصی برایشان با اقتناع عقلی یا تجربی همراه نباشد ضمانت اجرایی ندارد و به راحتی قابل نقض است. عمل‌گزینشی در احکام دین و گرایش به سمت مراجع دینی که احکام آن‌ها با میل و فکر فرد پذیرفتنی‌تر است از مشخصه‌های دیگر تفسیر به رأی دین در این افراد است.

یک مشخصه اصلی در دین‌داری افراد دارای سازمان شخصیت مرزی بی‌ثباتی عقیدتی و رفتار دینی فرد در طول زمان و موقعیت‌های مختلف است که به دو صورت نمود می‌یابد؛ دوره‌های قابل تمیز رفتار و باور دینی (به لحاظ کمیت یا کیفیت): دوره‌هایی که به صورت افراط یا تفریط در رفتار دینی خود را نشان می‌دهد و باور و رفتار دینی متفاوت در موقعیت‌های یکسان.

رفتار دینی این افراد به شدت تحت تأثیر هیجانات می‌باشد و به شکل‌های مختلفی نمود پیدا می‌کند از جمله؛ حسادت به دین‌دارها و نفرت از دین‌دارها؛ فرد نسبت به گروهی از دین‌دارها که به لحاظ سبک دین‌داری و رفتار دینی با وی تفاوت‌هایی دارند و هم‌چنین به گروهی از دین‌دارها که مشی دینی آن‌ها مشابه والدین فرد است احساس نفرت شدید

دارد، گناه در اثر فوران و غلبه هیجان: غلبه حجم بالای هیجانات باعث می‌شود فرد دچار گناه شود، خودگناه‌کارپنداری همیشگی و انتظار تنبیه: فرد خود را همیشه گناهکار و مقصر می‌بیند و با کوچک‌ترین خطایی منتظر تنبیه از سوی خداست. این احساس گناه با یک احساس شرم شدید همراه است و احساس گناه نابجا: فرد در پاره‌ای از موارد هنگام گناه کردن هیچ احساس گناهی ندارند، ولی مدتی بعد از گناه کردن دچار احساس گناه می‌شود، در نتیجه احساس گناه کارایی لازم را نداشته و قادر به کنترل رفتار فرد نیست.

گرایش فرد به دین یا رفتار دینی خاص به دلیل گرایش والدین یا اطرافیان فرد به آن دین و رفتار است. این متابعت ناشی از احساس هویت ضعیف در فرد یا نوعی بی‌هویتی و گرایش به چسبیدن به دیگران برای احساس هویت و اجتناب از طرد است. این افراد صرفاً دین را پذیرفته‌اند و هر چه شنیده‌اند صحیح فرض می‌کنند و اگر دچار تردید شوند به راحتی آن را نادیده می‌گیرند، دین‌داری تبعی با گناه تبعی و تقوای تبعی همراه است.

خدا در ذهن این افراد موجودی است تک‌بعدی و چندپاره شده که فرد قادر نیست تمام صفات او را هم‌زمان ببیند. فرد در شرایط مختلف بسته به نیازها (از جمله نیازهای دفاعی) و هیجان‌هایش، تصویر متفاوتی از خدا متصور است. گاهی خدا یک موجود تماماً مهربان است که تساهل‌گرانه و بدون هیچ قاعده‌ای تمام گناهان فرد را می‌بخشد (تصوری که

تکیه بر منطق انتخاب کرده‌اند، با این حال نوعی سوگیری در انتخاب دین وجود دارد. در ظاهر برای پذیرش بسیاری از باورها و قواعد دین به دنبال دلیل و منطق هستند، ولی در عمل دست به انتخاب تک گزینه‌ای زده و به صورت سوگیرانه‌ای در جهت تأیید باورهای والدینی حرکت کرده‌اند و به بررسی واقعی سایر باورهای موازی نپرداخته‌اند.^۱

واقعیت دینی نسبتاً منسجم، فرآیند دین‌داری در این افراد با انواع خاصی از مکانیسم‌های دفاعی و خطاهای شناختی همراه است که باعث تغییر نسبی فرآیند دین‌داری در قیاس با الگوی دین در منابع دینی می‌شود از جمله؛ فرافکنی افکار و هیجان‌های خود به خدا؛ فرد با فرافکنی نسبی باورها و قضاوت‌های خود به خدا، معتقد است خدا باور یا هیجان خاصی نسبت به وی و اعمال او دارد که توأم با نوعی شناخت انسان‌پندارانه از خداست. این فرافکنی‌ها بیشتر از جنس فرافکنی سوپرایگو می‌باشد، معصیت بر اثر غفلت: فرد برای لحظاتی به این واقعیت توجه نمی‌کند، عملی که می‌خواهد انجام دهد خلاف باورهای اوست، گویی برای لحظاتی دچار درجاتی از تجزیه ذهنی می‌شود. ظاهراً عامل چنین غفلتی حجم هیجان‌ها در لحظه است و نتیجه‌گیری سوگیرانه به نفع باورهای دینی: فرد در آغاز صحت دین را بدیهی فرض می‌کند، سپس در یک چرخه معیوب با استفاده از شواهد برگرفته از همان پیش‌فرض اثبات نشده (دین)، دست به

باعث می‌شود فرد به راحتی مرتکب گناه شود)، در برهه‌ای از زمان تصور فرد از خدا موجودی بسیار سخت‌گیر و انتقام‌گیرنده بوده که با کوچک‌ترین خطای فرد به بی‌رحمانه‌ترین شکل برخورد می‌کند. بنابراین با یک خدای فرافکنی شده^(۱) چندپاره روبرو هستیم.

فرد مبتنی بر سود و زیان شخصی که در اثر تبعیت از دین متصور است تصمیم می‌گیرد از کدام احکام دین پیروی بکند. یک عامل مهم دیگر حال خوبی است که فرد با پذیرش دین و تبعیت از آن پیدا می‌کند. آرامشی که فرد از آن صحبت می‌کند نوعی رفع تنش و اجتناب از آسیب است در اثر استفاده دفاعی از دین. فرد دین را نوعی رابطه طرفینی بین خود و خدا می‌داند که توأم با اعتماد و احساس امنیت نسبی است. همچنین نوعی قاعده‌مندی تخلف‌ناپذیر بر این رابطه حاکم است و فرد روی قاعده‌های دستوری دین که مشابه و بر گرفته از بایده‌ونبایدهای والدینی است تأکید دارد و خود را ملزم به تبعیت از آن‌ها می‌داند.

انتخاب هیجانی مثبت، فرد مبتنی بر رابطه نسبتاً امن و هیجان‌ناپذیری که نسبت به اطرافیان به ویژه والدین دارد اقدام به درونی‌سازی تصویر مثبت و باورهای والدینی از جمله دین کرده است، والدینی که با فرد رفتار نسبتاً مشفقانه داشته‌اند و در مسیر دین‌داری به صورت همدلانه به راهنمایی و امر و نهی او پرداخته‌اند.

انتخاب سوگیرانه شناختی، این افراد اگر چه عنوان می‌کنند که دین خود را به صورت شناختی و با

1- Projective

استدلال به ظاهر منطقی به نفع باورهای دینی خود می‌زند.

کمال‌گرایی تلاش برای هرچه بهتر بودن در دین است، اما زمانی که فرد با ایجاد استانداردهای اضافی و رفتار غیرهمنعطف، بدون در نظر گرفتن توان واقعی خود دست به عمل می‌زند ناسالم تلقی می‌شود. در افراد دارای سازمان شخصیت نوروپیک هر دو شکل از کمال‌گرایی قابل مشاهده است. کمال‌گرایی ناسالم در این افراد به بازداری رفتاری و تلاش‌های کمال‌گرایانه دوره‌ای منجر می‌شود. استانداردهای اضافی مجموعه‌ای از قواعد است که فرد برای خود وضع کرده است که به صورت مستقیم در دین وجود ندارد. افراد نوروپیک با داشتن استانداردهای خشک، قواعد را (برای خود و دیگران) به نحوی تعریف می‌کنند که به هیچ‌عنوان قابل نقض نیستند و می‌باید دقیقاً طبق همان الگو، مو به مو اجرا شوند، فرد با کمترین انحراف از الگوی ذهنی دچار اضطراب و تشویش می‌شود. در کنار این استانداردها، محتاطانه عمل می‌کنند و در جاهایی که به صحت یک حکم دینی آگاهی ندارند پرس و جو می‌کنند، در نهایت اگر به نتیجه نرسند شانس این که جانب احتیاط را رعایت کرده زیاد است و به راحتی از عقل فردی تبعیت نمی‌کنند.

فرد با دین به شکل یک وظیفه برخورد می‌کند که به او محول شده، وظیفه‌ای که انجام آن الزامی

است و نوعی اجبار را در انجام آن ادراک می‌کند. کمیت انجام وظیفه بر کیفیت انجام آن ارجح است. وظیفه‌گرایی دینی موجب ثبات رفتار دینی و پایبندی فرد به حداقلی از رفتار دینی می‌شود.

خدای نسبتاً منسجم، تصویری که این افراد از خدا دارند به صورت خدایی است که واجد صفات مختلف از جمله صفات رحمت و صفات قهریه است. فرد در هر لحظه به یک بعد صفات خدا بیشتر توجه دارد، یعنی تصور از خدا با تأکید بیشتر بر یک بعد صفات او و نه به صورت کامل دیدن صفات خداست.

دین ابزار حصول اهداف مقدس، هدف غایی انجام اعمال دینی در افراد با سازمان نوروپیک شامل این موارد می‌باشد: **معنی‌دهی به زندگی**، دین برای فرد چارچوبی است که به زندگی او هدف، معنا و انگیزه می‌دهد، کسب آرامش: فرد از طریق عمل به انتظارات خدا به عنوان ایده اصلی به احساس آرامش درونی می‌رسد، عمل به وظیفه: فرد معتقد است دین مجموعه‌ای از وظایف و تکالیف است که باید انجام شوند، لذا عمل به دین موجب احساس سبک شدن تکلیف در فرد می‌شود و پاداش‌های معنوی: فرد انتظار دارد در قبال وظایفی که انجام داده پاداش‌هایی دریافت کند. شکل این پاداش‌ها غالباً متعالی و از جنس پاداش‌هایی است که در دین توصیف شده است.

جدول ۱: مقوله‌های اصلی و فرعی دین‌داری در افراد با سازمان شخصیت نوروتیک و مرزی

حیطه دین	مقوله‌های اصلی سازمان مرزی	مقوله‌های اصلی سازمان نوروتیک
ماهیت دین	برنامه مکمل نسبی	ارتباط نسبتاً امن ضابطه مدار
فرایند انتخاب دین	۱) جذب و طرد آسیب‌محور ۲) الگوی آشفته رفتار والدینی	۱) انتخاب هیجانی مثبت ۲) انتخاب سوگیرانه شناختی
فرایند دین‌داری	۱) واقعیت دینی غیره منسجم ۲) دین‌داری فردمحور ۳) بی‌ثباتی دینی ۴) هیجان‌زدگی دین ۵) دین تبعی	۱) واقعیت دینی نسبتاً منسجم ۲) کمال‌گرایی دینی ۳) دین‌داری وظیفه‌گرا
تصور از خدا	خدای تک‌بعدی چندپاره‌شده	خدای نسبتاً منسجم
هدف دین‌داری	دین ابزاری	دین ابزار حصول اهداف مقدس

بحث

است و همان‌گونه که فرد نوروتیک به درونی سازی ابژه والدینی نسبتاً مطلوب می‌پردازد، ارزش‌های والدینی از جمله دین نیز در این افراد درونی می‌شود، تشابه کیفیت و حدود دین‌داری افراد نوروتیک با دین‌داری والدین گواهی بر صدق این امر می‌تواند باشد. این یافته با شواهد آرایه شده به وسیله سلانی (۳۴)، دیدریک و ودرولزر (۳۵)، مک ویلیامز (۳۶)، هرتلر (۳۷)، مسورادو و ریچارودمینی (۳۸)، سروکو (۱۲) و کانتور (۳۹) هم‌خوان است. در افراد با سازمان مرزی کیفیت پایین مراقبت والدینی، روابط عاطفی سرد، محبت مشروط یا بی‌تفاوتی موجب شکل‌گیری آسیب‌های روانی نظیر؛ ویژگی‌های نارسیستیک، احساس تنهایی و حساسیت بالا به طرد می‌شود، در نتیجه فرد با پناه بردن به دین از احساس تنهایی فرار کرده، ولی وقتی احساس کند از سمت خدا طرد شده یا دین را نماد ارزش والدینی تلقی کند، دست به مقابله با دین می‌زند که با الگوی رفتاری افراد با سازمان مرزی هم‌خوان است (۴۴-۴۰ و ۳۶).

فرآیند دین‌داری در افراد با سازمان مرزی مبتنی بر دفاع‌های نارسیستیک بود. فرد نگاهی فردی

دین‌داری کلیتی نامتجانس است که شناخت ماهیت آن همواره با دشواری‌های زیادی همراه بوده است (۱). شناخت ماهیت دین در تعامل با روان انسان و کیفیت تعامل این دو سازه همواره یک دغدغه جدی برای روانشناسان بوده است. شخصیت به عنوان شالوده اصلی وجود انسان محور این مناقشه و تعامل بوده است. پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه دین و شخصیت پرداخته‌اند به نتایج مبهم و بعضاً متناقضی منجر شده‌اند (۲۰-۱۴) که مهم‌ترین عامل چنین تناقضاتی به ابهام در ماهیت و چیستی دین و روش‌های سنجش آن باز می‌گردد (۲۳-۲۱). از آنجا که روش پدیدارشناسی به عنوان مقبول‌ترین روش جهت بررسی چیستی دین مطرح است، لذا هدف از این مطالعه تعیین و بررسی تجربه زیسته دین در افراد دارای سازمان شخصیت نوروتیک و مرزی و مقایسه تجربه زیسته دین بین دو گروه یاد شده بر اساس یک مطالعه پدیدار شناختی بود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تکوین دین در افراد تابع کیفیت رابطه والدینی در سنن کودکی

به دین دارد و با کاربست دفاع‌های سطح پایین مانند؛ دوپاره‌سازی، درجات بالای تجزیه و فراقنی دست به تفسیر به رأی و رفتار گزینشی در دین می‌زند، لذا نوعی بی‌ثباتی دینی در فرد مشهود بود؛ فرآیندهایی که مطابق الگوهای رفتاری افراد با سازمان مرزی در زمینه‌های غیردینی است (۴۸-۴۵ و ۳۶). در نقطه مقابل در افراد با سازمان نوروتیک می‌توان یک دین‌داری مبتنی بر دفاع‌های سطح بالاتر نظیر توجیه و دلیل‌تراشی را در قالب الگوی کمال‌گرایانه دین مشاهده کرد که فرد معتقد به صحت تمامی قواعد دین و تخطی ناپذیری عمل به آن‌هاست، الگویی که برآمده از ارزش‌های والدینی درونی شده است که فرد عمری از آن‌ها تبعیت کرده، برای فرد نقش هویتی پیدا کرده و ریسک‌پذیری پایین فرد مانع از زیر سؤال بردن آن‌ها می‌شود (۵۱-۴۹ و ۳۹، ۳۶، ۳۴، ۱۲).

حاکمیت دفاع‌های مبتنی بر دوپاره‌سازی در افراد با سازمان مرزی باعث می‌شود فرد به دوپاره‌سازی ابژه‌های اصلی از جمله خدا دست بزند (۴۸-۴۵ و ۳۶) و در هر دوره‌ای معتقد به یک خدای تک‌بعدی تماماً خوب یا تماماً بد باشد، در حالی که در افراد با سازمان نوروتیک این دوپاره‌سازی کمتر دیده می‌شود و فرد بیشتر قادر است صفات خدا را به صورت یک کل در نظر بگیرد، اگرچه تحت تأثیر فشارهای مختلف گرایش به تأکید بیشتر بر پاره‌ای از صفات خدا دارد که این تأکید تحت تأثیر هیجان‌ات فرد بوده یا برای فرد کارکرد دفاعی دارد (۵۰ و ۴۰، ۳۹، ۳۶، ۱۲).

افراد با سازمان مرزی غالباً از دین استفاده ابزاری می‌کنند و این سبک دین‌داری از بسیاری از جهات با دین‌داری بیرونی آلپورت و راس (۵۳ و ۵۲) مشابه است. افراد تا جایی که منافع آن‌ها اقتضا کند و راحت هستند به صورت گزینشی دست به رفتار دینی می‌زنند. البته باید دانست که بخشی از منافی که فرد از طریق دین‌داری کسب می‌کند منافع درون روانی و ناهشیاری است که ممکن است متوجه آن‌ها نباشد، ولی به طور کلی فرد تا جایی از دین تبعیت می‌کند که این منافع با محوریت آرامش و دستاوردهای فردی حاصل می‌شوند. در افراد با سازمان نوروتیک منافع ناهشیار درون‌روانی سهم بیشتری در علل دین‌داری فرد دارند و از سوی دیگر تمرکز فرد بر نفع شخصی کمتر شده و کسب رضایت ابژه محبوب درونی (خدا) موضوعیت یافته و در رفتار دینی فرد شاهد درجاتی از منفعت درونی و اغلب ناهشیار مانند احساس آرامش فردی و کسب رضایت خدا هستیم که این نوع رفتار دینی با کیفیت الگوی روابط موضوعی در افراد نوروتیک و مرزی سازگار است، الگویی که در آن نوروتیک‌ها بر اهمیت حفظ رابطه بین فرد و ابژه محبوب تأکید دارند و مرزی‌ها بر منافع فردی (۳۶ و ۶). منفعت درونی ناهشیار را می‌توان حد وسط پیوستار دین‌داری در جهت منفعت بیرونی و دین‌داری در جهت کسب رضای ابژه درونی (خدا) دانست و به جای دو سبک دین‌داری در نظریه آلپورت و راس می‌توان از پیوستار دین‌داری حرف زد (۵۳ و ۵۲).

تقدیر و تشکر

این مطالعه برگرفته از پایان نامه مقطع دکترای تخصصی رشته روانشناسی بالینی با کد اخلاق IR.SUMS.REC.1399.1088 از دانشگاه علوم پزشکی شیراز می‌باشد، که با حمایت مادی و معنوی دانشگاه شیراز انجام شد، در پایان از همه افرادی که در انجام این پژوهش ما را یاری دادند، به ویژه مصاحبه‌شوندگانی که وقت خود را در اختیار پژوهشگران قرار دادند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

به طور کلی می‌توان گفت که به نظر می‌رسد در قسمت پایین پیوستار سازمان شخصیت، شخصیت همانند ظرفی است که دین به‌عنوان یک محتوا در آن ریخته می‌شود و این شخصیت افراد است که به تفسیر و ادراک آن‌ها از دین شکل و جهت می‌دهد، دین رنگ شخصیت افراد را به خود می‌گیرد و این عاملی است که شاهد تفاوت قرائت‌های مختلف از دین در سطح جوامع بشری هستیم. از سوی دیگر در بخش‌های بالاتر پیوستار سازمان شخصیت شاهد یک دیالوگ بین دین و شخصیت هستیم و شخصیت صرفاً حکم یک ظرف برای دین را ندارد، بلکه از مظهر خود (دین) رنگ می‌گیرد و تأثیر می‌پذیرد.

محدودیت تعمیم نتایج پژوهش به افراد جامعه مهم‌ترین محدودیت پژوهش‌های کیفی است. طولانی بودن مصاحبه‌ها باعث ریزش زیاد مصاحبه‌شوندگان و یا عدم پذیرش شرکت در پژوهش در بدو امر شد که بالطبع فرآیند انجام پژوهش را طولانی‌تر نمود. با توجه به محدودیت‌های پژوهشی ذکر شده توصیه می‌شود که با تکرار این پژوهش در گروه‌های مختلف سنی و تحصیلی تکرارپذیری و تعمیم نتایج را به محک تجربه بگذارند. در راستای بررسی هرچه بهتر نقش شخصیت در دین‌داری، می‌توان این پژوهش را به شکل معکوس انجام داد، به این صورت که بعد از غربال کردن افراد با پرسشنامه‌های موجود در زمینه دین‌داری (مانند پرسشنامه جهت‌گیری دینی آلپورت) و هم‌تاسازی افراد به بررسی سازمان شخصیت در این افراد با نمرات مشابه و متفاوت پرداخت.

REFERENCES

1. Azarbayjani M, Moosaviasl SM. introduction to psychology of religion. 2th ed. Tehran: Ministry of Science Research and Technology(SAMT); 2016; 91-110.
2. Gschwandtner C. What is phenomenology of religion? (Part I): The study of religious phenomena. *Philosophy Compass* 2019; 14: e12566.
3. Yousofi A, Tabei M. Empirical phenomenology, a way to understand religious experiences. *Journal of Historical Sociology* 2012; 4(1): 71-93.
4. Lee K, Ashton MC, Griep Y, Edmonds M. Personality, Religion, and Politics: An Investigation in 33 Countries. *European Journal of Personality* 2018; 32(2): 100-15.
5. Van der Velde N, Schaap-Jonker H, Eurlings-Bontekoe EHM, Corveleyn JMT. God representation types are associated with levels of personality organization and christian religious orthodox culture. *The Journal of Nervous and Mental Disease* 2021; 209(10): 710-9.
6. Yeomans FE, Clarkin JF, Kernberg OF. *Transference-Focused Psychotherapy for Borderline Personality Disorder: A Clinical Guide*. 1th ed. Washington DC: American Psychiatric Association Publishing; 2015; 1-26.
7. Caligor E, Kernberg OF, Clarkin JF. *Handbook of dynamic psychotherapy for higher level personality pathology*. Translator: Sadatojagh F, Babaei Sh, Batebi S, Ghamkharfard Z(editors). Tehran: Royanpajoo Press; 2018; 27-56.
8. Preti E, Prunas A, De Panfilis C, Marchesi C, Madeddu F, Clarkin J. The facets of identity: personality pathology assessment through the inventory of personality organization. *Personality Disorders* 2015; 6: 129-40.
9. Esguevillas Á, Díaz-Caneja CM, Arango C, Rey-Mejías ÁLD, Bernardo EG, Delgado C, et al. Personality organization and its association with clinical and functional features in borderline personality disorder. *Psychiatry Research* 2018; 262: 393-9.
10. Hörz-Sagstetter S, Caligor E, Preti E, Stern B, De Panfilis C, Clarkin J. Clinician-guided assessment of personality using the structural interview and the structured interview of personality organization (STIPO). *Journal of Personality Assessment* 2017; 100: 1-13.
11. Clarkin JF, Stern B, Kernberg O. *Manual for the structured interview of personality organization-revised(STIPO-R)*. In: Institute PD(editor). Weill Medical College of Cornell University; 2019; 1-32
12. Soroko E. Internal relationship patterns in borderline and neurotic personality organization: An analysis of self-narratives. *Polish Journal of Applied Psychology* 2014; 12: 9-28.
13. Clarkin JF, Caligor E, Sowiło JF. An object relations model perspective on the alternative model for personality disorders(DSM-5). *Psychopathology* 2020; 53(3): 141-8.
14. Hafizi S, Tabatabaei D, Koenig HG. Borderline personality disorder and religion: a perspective from a muslim country. *Iran J Psychiatry* 2014; 9(3): 137-41.
15. Sansone RA, Kelley AR, Forbis JS. Religion/spirituality status and borderline personality symptomatology among outpatients in an internal medicine clinic. *International Journal of Psychiatry in Clinical Practice* 2012; 16(1): 48-52.
16. Gravitt WJ. God's ruthless embrace: religious belief in three women with borderline personality disorder. *Issues in Mental Health Nursing* 2011; 32(5): 301-17.
17. Namazi S, Karimkhani SH, Setaiesh M, Seidi Rad F. The comparison of neuroticism/psychoticism, introversion/extroversion and coping styles in students of families with religious and non-religious attitude. *Journal of Pizhūhish Dar Dīn va Salāmat* 2017; 3(2): 53- 65.
18. Ghasemi F, Askarizadeh GH, Mosavi-nasab SMH. Relationship of personality traits, religious attitude and sexual satisfaction with tendency towards divorcee in paramedic females. *Journal of Pizhūhish Dar Dīn Va Salāmat* 2020; 5(4): 20-33.
19. Asghari Sharabiani A, Kazemi A, MousaviSV. The role of personality traits in predicting the spiritual intelligence of senior high school students in bostanabad. *J Res Relig Health* 2019; 4(5): 67- 76.
20. Sadeghi M, Ghaderijavid S, Shalani B. Prediction of marital commitment based on personality traits, attachment styles, and religious orientation in married students. *Journal of Pizhūhish dar dīn va Salāmat* 2019; 5(3): 18-31.
21. Büssing A. Measures of spirituality/religiosity. *Religions* 2019; 10: 214.
22. El-Bassiouny N, Abou-Youssef M, Kortam W, Abou-Aish E, Abou-Youssef M, Kortam W, et al. Measuring islamic-driven buyer behavioral implications: a proposed market-minded religiosity scale. *Journal of American Science* 2011; 7: 788-801.

23. Khalaf DR, Hlais SAA, Haddad RS, Mansour CM, Pelissolo AJ, Naja WJ. Developing and testing an original Arabic religiosity scale. *Middle East Current Psychiatry* 2014; 21(2): 127-38.
24. Tiggemann M, Hage K. Religion and spirituality. *Pathways to Positive Body Image* 2019; 28: 135-141
25. Cinantya C, Suriansyah A, Asniwati, A. The model of religion-based character education (multi-site integrated islamic paud sabibal muhtadain and paud islam mawaddah banjarmasin, Indonesia). *European Journal of Education Studies* 2018; 5(7): 1-13.
26. Nowzari M. *Psychology of religious development*. 1th ed Tehran: Ministry of Science Research and Technology (SAMT); 2017; 120-5.
27. Boodelae H. *Phenomenological research method*. 1ed. Tehran: Andisheh Ehsan; 2019; 46-59.
28. Mohsenpour M. Evaluation of qualitative data. *Journal of Student Research Center (Beyhagh)* 2011; 16(2): 50-5.
29. Creswell JW. *qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches*. 2th ed. London: Sage publications; 2007; 53-81.
30. Qiyasvand A, Arab Khorasani S. Motherhood experience of divorced women on the custody of their children-a phenomenological study. *Gender and Family Studies* 2015; 2(2): 145-68.
31. Caligor E, Stern B. Diagnosis, classification, and assessment of narcissistic personality disorder within the framework of object relations theory. *Journal of Personality Disorders* 2020; 34: 104-21.
32. Caligor E, Kernberg OF, Clarkin JF, Yeomans FE. *Psychodynamic therapy for personality pathology: treating self and interpersonal functioning*. 1th ed. Washington DC: american psychiatric publishing; 2018; 12-3.
33. Nazari A, Hemmati A, Rahmani F, Rezaei F. Validation of structured interview of STIPO-R (personality organization): Determining compliance with SCL-90-R clinical symptom checklist and LPFS-SR personality functioning level scale. *Kordestan University*; 2017; 71-101.
34. Celani DP. A structural analysis of the obsessional character: a fairbairnian perspective. *The American Journal of Psychoanalysis* 2007; 67(2): 119-40.
35. Diedrich A, Voderholzer U. Obsessive-compulsive personality disorder: a current review. *Current Psychiatry Reports* 2015; 17(2): 1-10.
36. McWilliams N. *Psychoanalytic Diagnosis: Understanding Personality Structure in the Clinical Process*. 2th ed. New York: Guilford Publications; 2020; 43-95.
37. Hertler SC. A review and critique of obsessive-compulsive personality disorder etiologies. *Europe's Journal of Psychology* 2014; 10(1): 168-84.
38. Mesurado B, Richaud de Minzi MC. Child's personality and perception of parental relationship as correlates of optimal experience. *Journal of Happiness Studies* 2013; 14(1): 199-214.
39. Kantor M. *Obsessive-compulsive Personality Disorder: Understanding the Overly Rigid, Controlling Person*. 1th ed. California: Peager; 2016: 49-274.
40. Kirkpatrick LA. Attachment, evolution, and the psychology of religion. Translator: Mahmoodi Gh (editor). 1th ed. Tehran: Vania Press; 2020; 52-157.
41. McCarthy JB. Narcissistic adolescents' object relations. *Psychoanalytic Psychology* 1997; 14(1): 95-112.
42. Wetzel E, Robins RW. Are parenting practices associated with the development of narcissism? findings from a longitudinal study of mexican-origin youth. *Journal of Research in Personality* 2016; 63: 84-94.
43. Van Schie CC, Jarman HL, Huxley E, Grenyer BFS. Narcissistic traits in young people: understanding the role of parenting and maltreatment. *Borderline Personality Disorder and Emotion Dysregulation* 2020; 7(1): 1-10.
44. Valashjardi A, MacLean R, Charles K. Recollections of parenting styles in the development of narcissism: The role of gender. *Personality and Individual Differences* 2020; 167: 1-6.
45. Roxborough HM, Hewitt P, Flett G, Abizadeh J. Borderline personality organization and the interpersonal components of perfectionism: a review of two overlapping personality pathologies. *world academy of science, engineering and technology. International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic, Business and Industrial Engineering* 2009; 3: 1180-87.
46. Lång A. Borderline personality organization predicts machiavellian interpersonal tactics. *Personality and Individual Differences* 2015; 80: 28-31.
47. Perry JC, Presniak MD, Olson TR. Defense mechanisms in schizotypal, borderline, antisocial, and narcissistic personality disorders. *Psychiatry* 2013; 76(1): 32-52.
48. Vaknin S. Dissociation and confabulation in narcissistic disorders. *Journal of Addiction and Addictiv Disorders* 2020; 7(39): 1-10.

49. Eskedal GA, Demetri JM. Etiology and treatment of cluster c personality disorders. *Journal of Mental Health Counseling* 2005; 28(1): 1-17.
50. Siefert C, Porcerelli JH. Object relations theory and personality disorders: Internal representations and defense mechanisms. *Personality disorders: Toward theoretical and empirical integration in diagnosis and assessment*. 1th ed. Washington, DC, US: American Psychological Association; 2015; 1-29.
51. Pinto A, Dargani N, Wheaton MG, Cervoni C, Rees CS, Egan SJ. Perfectionism in obsessive-compulsive disorder and related disorders: What should treating clinicians know? *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders* 2017; 12: 102-8.
52. Salleh MS. Religiosity in development: a theoretical construct of an islamic-based development. *International Journal of Humanities and Social Science* 2012; 2(14): 266-74.
53. Sadri Damirchi E, Mojarrad A, Pirgholi Kivi M. A comparison of the locus of control, unreasonable beliefs and religious orientation in divorce and ordinary women in ardabil in 2016. *Journal of Pizhūhish Dar Dīn va Salāmat* 2020; 5(4): 73-87.

Investigating the Lived Experience of Religion in People with Neurotic and Borderline Personality Organization: A Phenomenological Study

Zahedyan SH¹, Taghavi SMR^{1*}, Sarafraz MR², Goodarzi MA¹

¹Department of Clinical Psychology, University of Shiraz, Shiraz, Iran, ² Department of Health Psychology, University of Shiraz, Shiraz, Iran

Received: 02 Jul 2022 Accepted: 11 Sep 2022

Abstract:

Background & aim: Research in the field of religion has always been accompanied by many complications, which is partly due to the lack of a single definition of this concept. In order to provide a precise definition of religion, we have to know its nature in people's minds. Personality is an important factor that affects the formation of mental perceptions in people. The aim of the present study was to determine and investigate the lived experience of religion in people with neurotic and borderline personality organization: a phenomenological study.

Methods: The present qualitative descriptive study was conducted by phenomenological method in 2019. The data collection method was a semi-structured interview and the sample group included 10 interviewees who were selected by purposive sampling and divided into two groups. People with neurotic personality organization (5 people) and borderline personality organization (5 people) were categorized. Interviews with each person lasted between 120 and 420 minutes and were conducted on one to six occasions. The interviews continued until theoretical saturation and a total of 2890 minutes of interviews were conducted. Data were analyzed by Moustakas method.

Results: The most important categories discovered in the border organization included individual-centered religiosity, religious instability, religious excitement, and a fragmented one-dimensional God. People with borderline personality organization have an unstable image of God in their mind and their relationship with God changes under the influence of momentary emotions. The most important categories obtained in the neurotic organization were duty-oriented religiosity, religious perfectionism, religiosity based on suspicion and relatively consistent God. The image of God in the minds of people with neurotic personality organization is highly stable; The integrity of the idea of God makes a person's relationship with God not affected by momentary emotions.

Conclusion: The results of the present study revealed that religion had different qualities in the minds of people with different personality organizations and despite these differences in belief and behavior, people at all levels consider themselves believers in the same religion. The results indicated that at the lower levels of the spectrum of personality organization, personality acts as a vessel in which the content of religion is poured and religion takes on the color of personality, and people's interpretation of religion and the quality of their religious behavior is based on their personality and as we move towards higher levels of personality organization, a dialogue takes place between religion and personality, which causes personality to be influenced by religion.

Keywords: Phenomenology, Religion, Neurotic organization, Borderline organization, Personality

***Corresponding author:** Taghavi SMR, Department of Clinical Psychology, University of Shiraz, Shiraz, Iran.
Email: mtaghavi@rose.shirazu.ac.ir

Please cite this article as follows: Zahedyan SH, Taghavi SMR, Sarafraz MR, Goodarzi MA. Investigating the Lived Experience of Religion in People with Neurotic and Borderline Personality Organization: A Phenomenological Study. *Armaghane-danesh* 2022; 27(6): 782-797.